

کیومرث سپهری

وکیل پایه یک دادگستری

مقررات جایگزین مواد ۱۲۰ الی ۱۲۵ قانون تعزیرات مصوب ۱۳۶۲ (باب دسیسه و تقلب در کسب و تجارت) و بی‌اعتباری این مواد*

مقدمه

پس از تصویب بخش تعزیرات و مجازاتهای بازدارنده قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۵ و لازم‌الاجرا شدن آن و عدم ذکر بعضی از اعمال و رفتارهایی که در قانون مجازات عمومی و قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ به عنوان جرم شناخته شده بودند و حقوقدانان با آنها آشنایی و در موارد لزوم مورد استناد قرار می‌گرفتند، این شک و سؤال برای بعضی حقوقدانان به وجود آمد که آیا چنین جرایمی از لیست جرایم حذف شده است یا خیر؟ و مرتکبین آن اعمال که سالیان زیادی به استناد قوانین مجازات، تحت تعقیب قرار می‌گرفتند، قابل پیگرد و مجازات می‌باشند یا نه؟ از جمله چنین اعمال و رفتارهایی که در قانون مجازات اسلامی اشاره‌ای به آنها نشده است، جرایم باب دسیسه و تقلب در کسب و تجارت موضوع مواد ۱۲۰ الی ۱۲۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ (مواد ۲۴۲ تا ۲۴۹ قانون مجازات عمومی) می‌باشد. حال باید بررسی کرد که آیا چنین موادی از قانون تعزیرات قابل استناد و اعمال هستند یا خیر و علل عدم تصریح و تشریح قانونگذار در این مواد چیست؟ و آیا قوانین و مقرراتی وجود دارد که خلاء ناشی

* - در مجله شماره ۵ جدید نوشتاری از آقای آلبرت برناردی تحت عنوان «نکته‌ها» به چاپ رسید. این تحقیق در تکمیل و توضیح آن نوشتار از طرف همکار ارجمند برای مجله ارسال گردیده است.

از عدم تصویب جرایم این باب را پر کند؟ آنچه در این نوشتار مورد بررسی قرار می‌گیرد فقط جرایم موضوع مواد ۱۲۰ تا ۱۲۵ قانون تعزیرات می‌باشد.

مبحث اول: منسوخه بودن مواد ۱۲۰ الی ۱۲۵ قانون تعزیرات

به نظر می‌رسد موادی از قانون تعزیرات مصوب سال ۱۳۶۲ که در قانون مجازات اسلامی سال ۱۳۷۵ در مورد آنها تصریحی نشده است، منسوخه و غیرقابل استناد می‌باشد، زیرا:

۱- قانون سال ۱۳۶۲ موقتی و آزمایشی بوده و مدت اعتبار آن به پایان رسیده است و معتبر دانستن چنین قانونی یا موادی از آن محتاج به نص صریح و دلایل قوی است و چنین نص و دلیلی وجود ندارد، بنابراین شکی در منسوخه بودن آنها بر خلاف نظر بعضی از حقوقدانان وجود ندارد.^(۱)

۲- از طرف دیگر چنانچه نظری به غیر از آنچه ذکر گردید، داشته باشیم، باید تمام عناوین و موادی که در قانون مجازات اسلامی ۱۳۷۵ نیامده ولی در قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ یا قانون مجازات عمومی سابقه‌ای داشته باشد، معتبر و لازم‌الاجرا بدانیم. در حالی که این امر غیرعقلایی و برخلاف عرف و منطق حقوقی است و این موضوع را کمتر حقوقدانی (حتی غیر حقوقدانان) قبول می‌کند و عقل سلیم نیز از پذیرش آن ابا دارد، بعلاوه وقتی اصل و اساس قانون از بین رفته و نسخ گردیده است، فروع آن نیز به طریق اولی غیرقابل استناد است.

۳- قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ علاوه بر مواد قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ بسیاری از قوانین متفرقه و مواد و عناوینی که در قانون تعزیرات وجود نداشته، گردآوری نموده است، بنابراین دلیلی ندارد که قانونگذار بعضی از مواد قانون تعزیرات را در قانون جدید نیاورد، ولی آن را معتبر بداند، به طریق اولی چنین مقرراتی را باید منسوخه دانست چون قانونگذار مصمم به تدوین قانون کاملی بوده و ظاهراً آگاهانه بعضی از مواد قانون تعزیرات را بنابه دلایلی در مجموعه جدید نیاورده است. بعلاوه سکوت قانونگذار که در مقام بیان بوده است، دلیل روشنی است بر نظر قانونگذار بر عدم اعتبار مواد مرقوم.

۴- در هر زمانی قانونگذار نسبت به بعضی از مسایل حساسیت خاصی نشان می‌دهد و

نسبت به برخی از امور بی توجه و آن را کم‌اهمیت تلقی می‌کند و بسیاری از اعمال و رفتار افراد و گروه‌های خاصی از مردم را در زمانی جرم و قابل مجازات اعلام می‌نماید و زمانی دیگر آن را جرم به شمار نمی‌آورد، گرچه ممکن است آن اعمال و رفتار مخالف اخلاق عمومی و به زیان فرد یا افراد خاصی از جامعه باشد و دلیلی ندارد که عملی در زمانی جرم بوده، همیشه توسط قانونگذار جرم شناخته شود و مجازات برای آن تعیین شود. در هر صورت هر شخص متضرر از این اعمال و رفتار می‌تواند از طریق حقوقی جبران خسارت خود را بخواهد. همچنان که اصل چهلم قانون اساسی، قانون مسؤلیت مدنی، قاعدهٔ لاضرر، قاعدهٔ تسبیب و... مجوز لازم را برای این کار داده‌اند.

۵- مادهٔ ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی و اصلاحیهٔ آن کلیهٔ قوانین مغایر را ملغی اعلام کرده است، و با توجه به توضیحات فوق موادی از قانون تعزیرات که در قانون مجازات اسلامی ذکری از آنها نرفته مخالف این قانون به نظر می‌رسد و منسوخ می‌باشند. بعلاوه قانون تعزیرات سابق چون موقتی بوده نیاز به ذکر آن نبوده، زیرا اعتبار نداشته تا به نسخ آن تصریح شود.

۶- لازم‌الاجرا دانستن مواد موضوع بحث برخلاف اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌هاست (که مورد تأکید قانون اساسی و قوانین عادی قرار گرفته است)^(۲) زیرا در این صورت متهم به استناد قانونی مجازات می‌شود که برای مدت محدودی بوده و مدت اعتبار آن سپری شده است و قانون جدید با صراحت هر چه تمام‌تر جزئیات همان قانون را بیان کرده، ولی در موضوع مانحن فیه بحثی نکرده است. یعنی از نظر قانون جدید چنین اعمالی ممکن است جرم نباشد، اگرچه ممکن است از نظر مدنی مسؤلیت‌آور باشد. بعلاوه اصل براباحه است، یعنی تا زمانی قانونی به طور صریح عملی را جرم و قابل مجازات ندانسته است هیچ دادگاهی نمی‌تواند فردی را به استناد ارتکاب فعلی که ذکری از آن به عنوان جرم در قانون مجازات نرفته است مجازات نماید. همچنان که مقتضای قاعده تفسیر شک به نفع متهم نیز همین موضوع را تأیید می‌کند. علاوه بر این هنگامی که قانون صریح و عملی خلاف و سایر ارکان وجود دارد، اگر شک پیش آید، متهم تبرئه می‌شود و اصل برائت و اباحه جاری می‌شود، به طریق اولی وقتی شک در وجود عنصر قانونی می‌کنیم، باید اصل را بر جرم نبودن عمل و ممنوع و حرام نبودن گذاشته، و عمل را از نظر کیفری مباح تلقی کنیم. همچنین در این زمینه می‌توان به

قاعده دره (که به نظر بسیاری از حقوقدانان اسلامی در تعزیرات هم رعایت می‌گردد) و «اصل ترجیح اشتباه در عفو بر اشتباه در کیفر» استناد کرد.

۷- «قاعده قبح عقاب بلا بیان» که در حقوق اسلامی بخصوص حقوق جزای اسلامی، کاملاً رعایت می‌شود، بدین معنی است که کیفر دادن بدون بیان صریح جرم و مجازات و تصریح قانونی نسبت به آن قبیح است و این قاعده کاملاً در امور کیفری رعایت می‌گردد. همچنین از آیات قرآن کریم بخصوص آیه شریفه «لَا یُکَلِّفُ اللّٰهُ نَفْسًا اَلَا مَا آتٰهَا»^(۳) (خداوند هیچ کس را به تکلیفی مکلف و ملزم نمی‌کند مگر آنکه حکم و قانون آن را بر او آورده باشد) و نیز آیه «ما کننا معذبین حتی نبعث رسولاً»^(۴) (هیچ کس را پیش از برانگیختن پیامبر و آوردن قانون به وسیله او کیفر نمی‌کنیم)^(۵) و مفاد حدیث رفع و احادیث دیگر، این موضوع استنباط می‌گردد که بدون وجود قطعی و یقینی قانون و مشخص بودن مجازات، نمی‌توان کسی را تحت مجازات قرار داد.

۸- دلیل عقلی و آن اینکه هر کس به طور ساده و ابتدایی وقتی ملاحظه می‌کند که قانونی برای مدت خاصی بوده و آن مدت منقضی شده اولین استنباط و تصورش این است که دیگر لزومی برای تبعیت از آن قانون وجود ندارد، بنابراین مجازات افراد به استناد چنین مستندات عقل سلیم می‌باشد.

۹- رویه قضائی نیز عملاً معتقد به نسخ مواد موضوع بحث می‌باشد و در صورت مطرح شدن اعمال موضوع مواد ۱۲۰ الی ۱۲۵ قانون تعزیرات، به این مواد استناد نمی‌نمایند و ممکن است به استناد قوانین دیگری متهم را محکوم نمایند، همچنان که اداره حقوقی قوه قضائیه طی نظریه مشورتی شماره ۳۵۸۳-۷/۲۵-۵/۷۶ تصریح نموده است^(۶): «مدت اعتبار قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲ منقضی شده و به جای آن قانون دیگری تصویب شده است و لذا دیگر مجوزی برای استناد به آن نیست، ماده ۷۲۹ قانون مجازات اسلامی مؤید این امر است و آنچه در باب تقلب در کسب و پیشه در ماده ۱۲۰ به بعد آن قانون آمده بود قسمتی به عنوان تعزیرات حکومتی در مصوبه مجمع تشخیص مصلحت نظام سال ۱۳۶۷ و قسمتی در قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی مصوب سال ۱۳۷۱ آمده است و آنچه از مقررات آن مواد مسکوت مانده است فاقد جنبه جزایی تلقی می‌گردد، به عبارت دیگر با حذف مواد فوق در قانون سال ۱۳۷۵ حسب مورد مقررات و قوانین یاد شده با انطباق با عمل ارتكابی

قابل اعمال و استناد می‌باشد».

بعید است دادرسی بتواند در جهت محکومیت شخصی به اتهام اعمال و اقدامات مندرج در مواد ۱۲۰ الی ۱۲۵ قانون تعزیرات به این مواد استناد و وجدان خود را قانع و متهم را مجازات نماید، چگونه می‌شود فردی را به استناد مواد قانون منسوخه مجازات نمود؟ پس راه حل قضیه چیست؟

مبحث دوم: علل عدم ذکر مفاد مواد ۱۲۰ تا ۱۲۵ قانون تعزیرات در قانون مجازات اسلامی^(۷)

شاید یکی از عللی که باعث عدم ذکر مواد فوق در قانون جدید گردیده، کمتر مطرح شدن جرایم موضوع آن مواد در مراجع قضائی باشد، اما به نظر می‌رسد علت اصلی عدم ذکر مواد مربوط به دسیسه و تقلب در کسب و تجارت، در قانون مجازات اسلامی جدید، این تصور بوده که مفاد آن مواد به طور متفرقه در قوانین مختلف وجود داشته، بنابراین ضرورتی از نظر قانونگذار برای تکرار آنها در قانون جدید احساس نشده است، زیرا:

۱- بخشی از اعمال موضوع ماده ۱۲۱ قانون تعزیرات در ماده ۳ قانون تعزیرات حکومتی مصوب ۱۳۶۷/۱۲/۲۳ مجمع تشخیص مصلحت نظام^(۸) و ماده ۷۳ قانون نظام صنفی مصوب ۱۳۵۹ با اصلاحات بعدی^(۹) و ماده ۵ قانون تشدید مجازات محتکران و گرانفروشان مصوب ۱۳۶۷^(۱۰) و ماده یک قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی مصوب سال ۱۳۶۴ با اصلاحات بعدی^(۱۱)، همچنین ماده ۱۱ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران^(۱۲)، آمده است.

۲- ماده ۹ قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران مصوب سال ۱۳۷۱ بخشی از مفاد ماده ۱۲۴ قانون تعزیرات (یعنی فروش محصولات بدون علامت اجباری) را جرم دانسته و مقرر کرده است: هرگاه اجرای استاندارد در مورد کالاهایی اجباری اعلام شود، پس از انقضای مهلت‌های مقرر، تولید، تمرکز، توزیع و فروش این گونه کالاها با کیفیت پایین‌تر از استاندارد مربوطه و یا بدون علامت استاندارد ایران ممنوع و با رعایت شرایط و امکانات خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تعزیر اعم از احضار، وعظ، تذکر، توبیخ، تهدید، و اخذ تعهد و حبس از یک ماه تا

دو سال و جزای نقدی از یکصد هزار ریال تا پنجاه میلیون ریال به حکم محاکم صالحه محکوم خواهند شد.

همچنین در این مورد می‌توان به ماده ۳۴ قانون تعزیرات حکومتی امور بهداشتی و درمانی مصوب سال ۱۳۶۷ مجمع تشخیص نظام اشاره کرد که مقرر می‌دارد کلیه تولیدکنندگان موظفند برچسب اطلاعاتی بر روی کلیه محصولات و فرآورده‌های تولیدی خود الصاق نمایند و شماره پروانه ساخت و مهلت اعتبار مصرف (تاریخ مصرف) را نیز روی محصولات حسب مورد، درج نمایند. تخلف از این امر جرم بوده و متخلف به مجازاتهای زیر محکوم می‌شود:

مرتبۀ اول: اخطار و جریمه نقدی تا مبلغ دویست هزار ریال.

مرتبۀ دوم: جریمه نقدی تا مبلغ پانصد هزار ریال.

مرتبۀ سوم: جریمه نقدی تا مبلغ یک میلیون ریال.

۳- قسمت عمده مفاد ماده ۱۲۲ قانون تعزیرات در ماده ۵۲۹ قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۵ آورده شده است. ماده مذکور به این شرح است. هر کس مهر یا منگنه یا علامت یکی از شرکتهای غیردولتی که مطابق قانون تشکیل شده است یا یکی از تجارتخانه‌ها را جعل کند یا با علم به جعل استعمال نماید، علاوه بر جبران خسارت وارده به حبس از سه ماه تا دو سال محکوم خواهد شد.

۴- قسمتی از نتیجه حاصل از اعمال موضوع ماده ۱۲۰ قانون تعزیرات (یعنی ترقی قیمتها). می‌توان گفت تحت عناوین دیگری در بند ب ماده یک و تبصره یک ماده ۲ قانون مجازات اخلاصگران در نظام اقتصادی کشور مصوب سال ۱۳۶۹ درج گردیده است، بدین شرح:

ماده یک: ارتکاب هر یک از اعمال مذکور در بندهای ذیل جرم محسوب می‌شود و مرتکب به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم می‌شود. الف... ب. اخلاص در امر توزیع مایحتاج عمومی از طریق گرانفروشی کلان ارزاق یا سایر نیازمندی‌های عمومی و احتکار عمده ارزاق یا نیازمندی‌های مزبور و پیش خرید فراوان تولیدات کشاورزی و سایر تولیدات مورد نیاز عامه و امثال آنها به منظور ایجاد انحصار یا کمبود در عرضه آنها.

ج...

ماده دو: تبصره یک: در مواردی که اخلاص موضوع هر یک از موارد مذکور در بندهای

ششگانه مادهٔ یک حسب مورد عمده یا کلان و یا فراوان نباشد، مرتکب به دو تا پنج سال حبس و ضبط کلیه اموالی که از طریق تخلف قانونی به دست آمده باشد به عنوان جزای نقدی محکوم خواهد شد...

۵- بند ۱۲ مادهٔ ۴ قانون امور گمرکی^(۱۳) واردات کالایی که دارای نشان یا نام بنگاه یا علامت یا مشخصات دیگری که موجب اغفال خریدار و مصرف‌کننده را فراهم کند، ممنوع کرده است، و مفهوم بخشی از مادهٔ ۱۲۳ قانون تعزیرات واردات چنین کالاهایی می‌باشد.

بدین ترتیب اعمالی مثل: رقابت مکارانه (مادهٔ ۲۴۴ قانون مجازات عمومی)، تجاوز به علائم ثبت شدهٔ دیگر (بند الف مادهٔ ۲۴۹ قانون مجازات عمومی)^(۱۴)، سوءاستفاده از اختراع دیگری و نیز افشای اسرار مربوط به اختراع به ضرر مصالح عمومی (مادهٔ ۱۲۵ قانون تعزیرات سال ۱۳۶۲) و... جرم شناخته نشده است و مرتکبین آن اعمال قابل مجازات نیستند. حذف مواد مربوط به دسیسه و تقلب در کسب و تجارت به وسیلهٔ قانونگذار قابل انتقاد بوده و تبعاتی در پی خواهد داشت. زیرا اعمال مختلفی که ارتکاب آن به ضرر جامعه می‌باشد. جرم شناخته نشده و این امر می‌تواند آثار نامطلوبی به جای گذارد به علاوه قانونگذار که مفاد بسیاری از قوانین متفرقه را در قانون مجازات اسلامی ذکر کرده است، جا داشت که در مورد دسیسه و تقلب در کسب و تجارت هم مقررات جامعی وضع می‌کرد، زیرا با گسترش صنعت و تولید و تجارت این موضوع، قوانین دقیق‌تر و جامع‌تری را می‌طلبد که از تولید و افراد صالح و سالم در امر تولید حمایت بشود. و می‌توانست از قوانین قبلی بخصوص قانون مجازات عمومی بهره‌گیرد. مثلاً در مورد رقابت مکارانه که در بند الف مادهٔ ۲۴۴ قانون مذکور چنین مقرر شده بود: «رقابت مکارانه ممنوع و مرتکب به حبس تأدیبی از سه ماه تا شش ماه و به مجازات نقدی از صد تا پانصد تومان و یا به یکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد، رقابت مکارانه عبارت است از اینکه تاجری برای انصراف مردم از خرید یا استعمال متاعی مشابه متاع خود به وسیلهٔ اسباب چینی یا نسبت‌های کذب یا به طور کلی به هر وسیلهٔ متقلبانهٔ دیگر متوسل شده و به طور مستقیم و غیر مستقیم تلویحاً یا تصریحاً در صدد معیوب یا نامرغوب جلوه دادن آن متاع برآید.» معلوم نیست چرا قانونگذار رقابت مکارانه را جرم تلقی نکرده است، شاید نظر قانونگذار این بوده است که با توجه به پیشرفت جامعه و وضعیت

مبادلات تجاری و گستردگی آن در سطح کشور و بالا رفتن آگاهی‌ها و دانش مردم، چنین اعمالی جنبه عملی ندارد، یا در صورت ارتکاب آثار عملی ندارد، ولی باید اذعان کرد که رقابت مکارانه در حال حاضر با روشهای پیچیده‌تر و گسترده‌تری صورت می‌گیرد و نیاز به مقررات دقیق و فنی دارد، زیرا ممکن است بعضی از اعمال ضربات سنگینی به برخی از تولیدکنندگان و مؤسسات و شرکتهایی که به طریق سالم فعالیت می‌کنند، وارد نماید. لهذا وضع مقررات مشابه مفاد مذکور که با پیشرفتهای و شرایط روز منطبق باشد، امری ضروری است.

■ زیر نویس و منابع:

- ۱- کلانتری - کیومرث - تاملی در قانون مجازات اسلامی مصوب سال ۱۳۷۰ و ۱۳۷۵ نشریه داخلی کانون وکلا. ش ۱۹. ص ۳۴.
- ۲- اصول ۳۶ و ۱۶۹ قانون اساسی و ماده ۲ قانون مجازات اسلامی.
- ۳- آیه ۸ از سوره طلاق.
- ۴- آیه ۱۵ سوره اسراء.
- ۵- فیض دکتر علیرضا. مقارنه و تطبیق در حقوق جزای اسلام. جلد یک. انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد.
- ۶- مجله حقوقی دادگستری شماره ۲۱ پاییز ۷۶. ص ۱۸۲.
- ۷- متن مواد مرقوم جهت رعایت اختصار درج نشده است، لطفاً به قانون مربوط مراجعه فرمایید.
- ۸- ماده ۵۹ قانون تعزیرات حکومتی مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام کم فروشی و تقلب عبارت است از عرضه کالا یا خدمات کمتر از میزان و مقادیر خریداری شده از نظر کمی یا کیفی که منبای تعیین نرخ مراجع رسمی قرار گرفته است. تعزیرات کم فروشی و تقلب با توجه به میزان آن عیناً مطابق تعزیرات گرانفروشی می‌باشد.
- ۹- ماده ۷۳ قانون نظام صنفی: هر شخص حقیقی و یا حقوقی که کالاها یا مصنوعات یا فرآورده‌های خود را از نرخ مقرر گرانتر بفروشد و یا اجرت و یا دستمزد خدمات را زاید بر میزان مقرر دریافت دارد و یا ظاهراً با نرخ مقرر و معمولی معامله کرده ولی باطناً وجه بیشتری دریافت نماید و با یا به کار بردن موادی از نوعی که از لحاظ کیفیت نامرغوب و پایین تر است. مشخصات کالاها یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را پایین بیاورد و یا از حیث وزن یا مقدار کمتر تحویل مشتری بدهد و یا تمهیدی به کار برد که وجه بیشتری از مشتری دریافت دارد به پرداخت جزای نقدی از ده هزار ریال تا پانصد هزار ریال یا به حبس جنبه‌ای از شش ماه تا یکسال و یا به هر دو مجازات محکوم می‌شود.
- ۱۰- ماده پنج قانون تشدید مجازات مجتکران و گرانفروشان: هر کس که مرتکب هر یک از اعمال مشروحه زیر شود با رعایت امکانات و شرایط خاطی و دفعات و مراتب جرم و مراتب تأدیب برای مرتبه اول به جزای نقدی از دو تا پنج برابر و برای مرتبه دوم از پنج تا ده برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در این ماده و برای مرتبه سوم برای افراد غیرصنفاً از ۱۰ تا ۲۰ برابر قیمت کالا و خدمات مورد تخلف در ماده و در مورد افراد صنفاً علاوه بر مجازات مرتبه دوم به لغو پروانه محکوم خواهد شد. (۱) فروش مصنوعات یا فرآورده‌ها گرانتر از

نرخ مقرر. ۲) دریافت اجرت یا دستمزد خدمات، زاید بر میزان مقرر. ۳) معامله صوری به نرخ مقرر و به کار بردن تمهیداتی که عملاً موجب دریافت وجه بیشتر از نرخ مقرر بشود. ۴) استفاده از مواد نامرغوب که در نتیجه کیفیت کالا یا مصنوعات یا فرآورده‌ها یا ارزش خدمات را بدون تنزل قیمت پایین می‌آورد. ۵) عرضه نان معمولی یا پخت نامرغوب. ۶) تحویل کالا کمتر از وزن یا مقدار به مشتری. ۷) انتقال غیرمجاز کالاهایی که از طرف دولت به یک شهر یا منطقه یا جمعیت معینی اختصاص یافته است به شهر و منطقه دیگر و یا فروش آن به اشخاص دیگر. ۸) خودداری فرد صنفی از عرضه و فروش کالا یا مصنوعات و یا فرآورده‌ها یا خدمات برخلاف مقررات صنفی. ۹) امتناع فرد صنفی از دادن فاکتور به قیمت رسمی و یا صدور فاکتور خلاف واقع.

۱۱- ماده یک قانون مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی: مرتکب هر یک از اعمال زیر در مواد خوردنی و آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی به مجازاتهای مقرر در این قانون محکوم خواهد شد: ۱) عرضه یا فروش جنسی به جای جنسی دیگر. ۲) مخلوط کردن مواد خارجی به جنس به منظور سوءاستفاده. ۳) عدم رعایت استاندارد یا فرمول ثبت شده در موارد بیکه تعیین فرمول و رعایت آن و همچنین تعیین استاندارد و رعایت آن الزامی می‌باشد. ۴) فروش و عرضه جنس فاسد و یا فروش و عرضه جنس که موعده مصرف آن گذشته باشد. ۵) به کار بردن رنگها و اسانسها و سایر مواد اضافی غیرمجاز در مواد خوردنی یا آشامیدنی یا آرایشی یا بهداشتی یا لوازم بازی کودکان. ۶) ساختن مواد تقلبی خوردنی، آشامیدنی و آرایشی و بهداشتی.

۱۲- ماده یازده قانون اصلاح قوانین و مقررات مؤسسه استاندارد و تحقیقات صنعتی ایران: هر کس مشخصات فرآورده‌های مشمول استاندارد اجباری را پس از تهیه، تولید، یا ساخت تغییر دهد یا از ظروف و وسایل بسته‌بندی مخصوص فرآورده‌های استاندارد شده برای بسته‌بندی و عرضه و فروش فرآورده‌های خارج از استاندارد استفاده کند یا به قصد تقلب و یا به هر کیفیتی در قوطی، بسته، جعبه لثاف محتوی فرآورده‌های مشمول استاندارد اجباری دخل و تصرف نماید و یا به جای جنس دیگری تحت همان عنوان عرضه کند و یا به فروش برساند و یا به قصد تقلب از برگهای آزمایش و تشخیص مشخصات فرآورده‌ها و همچنین پروانه کاربرد علامت استاندارد ایران در غیر مورد استفاده کند و یا علامت استاندارد ایران را بدون دریافت پروانه بر روی محصولات خود به کار برد، به حبس از شش ماه تا دو سال و جزای نقدی از یک میلیون ریال تا پنجاه میلیون ریال محکوم خواهد شد.

۱۳- ماده ۴۰ قانون امور گمرکی: کالاهای مشروحه زیر ممنوع‌الورود می‌باشد: ۱... ۱۲- کالاهایی که روی خود آنها و یا روی لثاف آنها نشانی یا نام بنگاه یا علامت یا مشخصات دیگری باشد که موجبات اغفال خریدار و مصرف کننده را نسبت به سازنده یا محل ساخت یا خواص یا مشخصات اصلی اجناس نامبرده فراهم کند...

۱۴- ماده ۲۴۹ قانون مجازات عمومی: الف) هر کس نسبت به علامت تجارتنی ثبت شده در ایران عالملاً مرتکب یکی از اعمال ذیل شود به حبس تأدیبی از سه ماه الی سه سال و به جزای نقدی از صد الی هزار تومان و یا به یکی از این دو مجازات محکوم خواهد شد. ب) هر کس علامت تجارتنی غیر را جعل یا با علم به معمول بودن آن استعمال کند.